



بشوی اوراق اگر همدرس ما یی...

چند نکته درباره سواد

شده به خط پاکیزه نیز گفته شده است.

خاقانی گوید:
ز نقش خامه آن صدر و نقش نامه او
بیاض صبح و سواد دل مرست ضیاء
و حضرت مولانا فرماید:
ملوک روی زمین بر سواد منشور
نهاده سر چو قلم بر بیاض بغدادی
در بعضی فرهنگ‌های پارسی برای سواد، معادل نوشته، رونوشت، خوانایی و نویسی و فرهیختگی را نیز آورده‌اند. در این معادل‌ها، آوردن فرهیختگی از آن روی مهم است که بر دانایی و بصیرت و فراوانی شخص باسواد نیز دلالت دارد. و بر همین اساس در فرهنگ عامه، سواددار بودن، دانش و خرد و فراوانی داشتن است: «هر وقت توانستی یک سوره قرآن را بی‌غلط بخوانی، می‌توانی خودت را سواددار حساب کنی.» (جعفر شهیری، شکر تلخ، ص ۲۴۴) و زنده‌یاد صادق هدایت در یکی از نامه‌هایش با لحنی طنزآمیز به مخاطب خود می‌نویسد: اخیراً یکی از شاهکارهای خودم را برایت فرستادم تا بخوانی و سوادت پیش بیاید (نامه‌های هدایت، ص ۲۰۹)

با توجه در این معانی است که تعبیری همچون: سواد نداشتن، سواد را جا گذاشتن، سواد کسی نم کشیدن و عینک که سواد نمی‌آورد در فرهنگ عامه ما پدید آمده و بسیاری از نویسندگان از جمله: رسول پرویزی، صادق چوبک، هدایت، آل احمد و جعفر شهیری به فراوانی در آثار خویش تعبیری این چنین را به کار گرفته‌اند. با ذکر این نکات می‌خواهم بدان جا رسمم که به واقع در روزگار ما مراد از سواد داشتن، همانا توانایی خواندن و نوشتن است و پس، یعنی همان که روزگاری در دستگاه عریض و طویل پیکار با بیسوادی یا کلاس‌های اکابر تبلیغ می‌شد و فریدون تنکابنی در هجوان دستگاه داستان تفکربرانگیز «ماشین مبارزه با بیسوادی» را نوشته بود و هم امروز آمارهایی که از تعداد بی‌شمار باسوادان از طریق از گان‌های دولتی به دست داده



کاو گوهرین
نویسنده

«سواد» واژه‌ای عربی است و در فرهنگ لغات معانی گونه‌گونی دارد. در این نوشتار معنی و مفهوم «سیاهی» آن مورد نظر است. سیاهی در برابر «سپیدی» (بیاض) که خلاف (سواد) است. سواد، سیاهی مرکب قلم و نوشته است و بیاض سپیدی کاغذ و دفتر و با این تعابیر در شعر بسیاری از شاعران پارسی گوی آمده و براساس مفهوم سروده و نیز مراد شاعر می‌توان تعابیر دیگر را دریافت. سیاهی مردم، سیاهی شهر، سیاهی روستا از دور و نیز سواد گفته‌اند. از سواد اعظم، شهر بزرگ و پایتخت را مراد کرده‌اند عموماً و مکه معظمه خصوصاً همان سواد اعظم است. سوادالعبین، سیاهی چشم است و سواد اللیل، تاریکی شب و سواد الناس عامه مردم است. در زبان پارسی اما مراد از سواد توانایی خواندن و نوشتن است و سواد داشتن، همانا باسواد بودن را می‌رساند. علامه دهخدا در لغتنامه، ضمن برشمردن معانی گوناگون «سواد» به نقل از بسیاری فرهنگ‌ها از جمله: آندراج، منتهی الارب، غیث اللغات، ناظم الاطباء و چند مرجع دیگر «سوادخوانی» را به استناد بیانی از «نظام شیرازی» ملکه خواندن و نوشتن معنی کرده و این است آن بیت نظام:

سوادخوانی آن ظلم محض اعجاز است
که شد ز عکس رخ‌اش صفحه کتاب خجل
زنده‌یاد دهخدا در یادداشت ذیل این بیت ترکیب «سوادخوانی» را بر ساخته فارسیان هندوستان دانسته‌اند. اما با مروری بر دیوان حافظ، سعدی، نظامی، خاقانی و چند شاعر بزرگ که پیش از پدید آمدن سبک هندی به سرودن پرداخته‌اند می‌توان دریافت که واژه با تعابیر و معانی گونه‌گون فراوان در آثار آنان به کار گرفته شده است و بر مبنای همین پشتوانه فرهنگی است که در ادبیات فارسی، مراد از سواد، سیاهی مرکب و آنچه قلم می‌نگارد و بیاض سپیدی دفتر و نانوشته‌هاست یا به تعبیر دیگر سپید و پاک نوشته است که می‌توان بر همین اساس از سواد و بیاض، سپید و سبید و معادل «چرکنویس» و «پاک‌نویس» را هم حاصل کرد و همان گونه که پیشتر هم آمد «بیاض» در فارسی به دفتر سپید نانوشته یا دفتر دراز نوشته

یادداشت آخر

دنیا در دادر؛ دنیا داعش دارد

لحظات اسارت به یاد آورید! سکوت کنید! کودک‌کشی در سرتاسر فلسطین نفرین شده، آن هم رخ‌برخ جهان!



سیدعلی صالحی
شاعر

در نای نفرت می‌دمد داعش‌های کت و شلواری به کاخ‌ها، معابد مرگ... خانگاه مغان عصر مدرن است، کشیش‌های داعش... خاخام‌های داعش، خلاف داعش، بوتین‌پوش‌های داعش، داعش دنیا را گرفته است، دنیا درد دارد.

دنیا داعش دارد. داعش همین دل گل گرفته آدمی است. داعش نام مستعار ستمگرانی است که بر جنازه در نفت غلتیده خاورمیانه پاکوبی می‌کنند و پای می‌کوبند. ضیافت... ضیافت ظلمت است. ضیافت نفت و گلوله و سگ‌ها را است.

دریغا در برابر این همه ددمنشی، چرا هیچ صدایی از سختگویان ستمبران بر نمی‌آید؟! هم اگر اهل مقابله نیستید، لاقل سکوت نکنید. جای ناظم حکمت خالی است، جای پابلو نرود خالی است، جای یانینس ریستوس خالی است، جای محمود درویش خالی است. همه‌هم هول‌انگیز درندگان را نمی‌شنوید؟! او که در برابر ظلم و جنایت و ستم و جهل... خاموش می‌نشیند، خود نواله‌خوار خانه ظالمان است. زنه‌ها... زنبورهای مزرعه سیانور و خردل را به جان خاورمیانه خسته در انداخته‌اند. زنبورهای سمی... عادت دارند نخست خاموشان را شکار می‌کنند. حالا سکوت کنید!...

داعش، داستان امروز اولاد آدمی نیست. داعش... رستاخیز قابیل است؛ داعش در حلب، داعش در موصل، داعش در قندهار، داعش در تل‌آویو، لندن، واشنگتن، داعش... دنیا را گرفته است. داعش جای دوری نیست. داعش در دل گل گرفته آدمی است. هر کجا ظلمتی باشد، همانجا لانه می‌کند. دریغا دل تاریک آدمی، آن هم به هزاره پرادعای آگاهی و آزادی و امید!

داعش، درد است. درد زایمان ظلمت است. هر کجا دردی هست، حتماً دوزخی در کمین ایمان انسان است. دنیا درد دارد. دنیا داعش دارد. در شام، زنده‌زنده قلب سرباز را گرم به در آورده، رخ‌برخ جهان، نیش می‌کشد. در عراق، دختر ۵ ساله را گردن می‌زند، رخ‌برخ وجدان بشریت، وجدانی که آن را سگ‌خورده، سگ به نیش کشیده است.

۳ ماه از ربودن دختر بچه‌ها توسط داعشک آفریقا، بوکوحرام می‌گذرد، بازم شرف مالله یوسف‌زایی (دختر بچه پاکستانی) قربانی داعش دیگر) که به دیدار خانواده‌های قربانیان شهوت و شیطان رفته است. سکوت کنید سلاطین جهان، نوبت به شما نیز خواهد رسید. التماس کردن معمر قذافی را در آخرین

گلستان سعدی را از انتها به ابتدا بخواند، قادر تواند بود؟ داستان کربلایی کاظم یادآور دین آیه الهی است در قرآن، سوره اعراف، آیه ۱۵۷ که اشارت بر «امی» بودن پیامبر دارد: «بگو مردم را منم آن پیامبر که از سوی یزدان، سوی شما روانه گشته‌ام. همان خدایی بر آسمان و زمین فرمان می‌راند، نیست هرگز خدایی دیگر، اوست که زنده می‌دارد و می‌میراند، پس بدین خدای و فرستاده‌اش، پیامبری امی که بر خدایی و او را گان درخشان اوی ایمان دارد باور آورید...»

در این آیه و نیز آیه بعدی به گونه‌ای روشن از پیامبر با کسب «امی» یاد می‌شود. برخی مفسران «امی» را می‌دانند که خواندن و نوشتن نمی‌داند و گروهی دیگر آن را منسوب به «ام» یعنی (مادر) دانسته‌اند یعنی کسی که مادرش او را برای یادگیری و آموزش از خود جدا نکرده و به جایی نسیب کرده است. البته به جز این دو مورد در آیاتی دیگر نیز بدون این که به صفت «امی» اشارت رود به بیسوادی و عدم مهارت در خواندن و نوشتن ایشان تصریح شده است از جمله آیه ۴۸ از سوره «تنبکوت» و نیز آیه ۵۲ از سوره «شوری».

برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به یادداشت استاد «به‌الدین خرمشاهی» ذیل آیه ۱۵۷ سوره اعراف در قرآن ترجمه ایشان (ص ۱۷۰) و نیز کتاب ارزشمند استاد شهید مرتضی مطهری با عنوان «پیامبر امی». همه این نکات بر شمردم تا این نکته گویم که سواد و دانش و تخصص بدون بینش و بصیرت و شناخت، فراوانی نمی‌آورد و ای بسا بیسوادان که در بای معرفت‌اند و فرهیختگی و نیز بی‌شمار کسانی هستند که سر آمدند به دانش، لیک خوی انسانی و انباده‌اند و حیرتا که حافظ کبیر چه زیبا دریافته که سواد، تنها تاریکی و سیاهی است که از آن توان که به روشنایی رسید:

چشم جادوی تو خود عین سواد سحر است
این قدر هست که آن نسخه سقیم افتادست.
و در بیتهی دیگر:

سواد لوح بینش را عزیز از بهر آن دارم
که جان را نسخه‌ای باشد ز نقش خال هندویت
و امروز می‌توان گفت آن که این ابیات از حافظ را نخواند، مثنوی مولانا و گلستان سعدی را دریافت، ندانست که «کمدی الهی» چیست؟ «دن کیشوت» را نشناخت و بی آن که «شاهنامه» را بخواند از این جهان کوچید، بیسواد از دنیا دریا رفته است، نه که چنین است!؟

است. ما امروز حق رفت و آمدمان درون کلاشنویزی مانند تهران به خاطر جلوگیری از راهبندان و ترافیک در قالب قانون محدودیت رفت و آمد سلب می‌شود ولی با تأسف می‌بینیم که این قانون که مدعی سلب حق رفت و آمد شهروندان برای ایجاد نظم عمومی در شهر است با دریافت حق ورود به طرح ترافیک به آرمان مقدس عدالت‌گستری خود پشت پا می‌زند. به عبارت دیگر می‌بینیم که قانون‌گذار در این زمینه مرتکب تبعیض شده است. مسلماً عدم قاطعیت مجریان قانون و ایجاد تبعیض در اجرای آن بهترین قانون و مترقی‌ترین قانون را نیز دستخوش و تجاوز می‌کند. از این طریق



ادامه از صفحه ۹

عدالت اجتماعی؛ آزادی و سعادت

این گونه افراد و کسانی که از لحاظ مالی جزو افراد متمول هستند، هیچ‌وقت مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند. این فقط به خاطر پوشش‌های مراقبتی است که حول افراد پر قدرت جامعه وجود دارد. شما در مواجهه با یک کارتن‌خواب اغلب آن رفتاری را نمی‌کنید که در دیداری که با یک فرد متمول دارید. این شکاف‌ها و نقص‌ها خبر دهنده عدم عدالت اجتماعی و نابرابری است. بحث دیگر موضوع قانون است. در عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین بحث‌ها، موضوع برابری افراد در برابر قانون است. این که افراد از حق مساوی برخوردار هستند، زنان و مردان از حقوق یکسان برخوردار باشند. اکنون حمایت از یک قشر خاص در جامعه صورت می‌گیرد که این مسئله کاملاً اشتباه است. این حمایت باید به گونه‌ای باشد که تمام قشرهای مختلف جامعه، از فقیر و غنی، همه‌وهمه با هر گرایش‌هایی زیر چتر قانون به مساوات بهره‌مند باشند. ما گروه‌ها و کمیته‌های مختلفی را دارا

هستیم که برای حق خود می‌جنگند و برای دستیابی به آن تلاش فراوانی می‌کنند. اگر قانون مورد قبول و کارآمدی داشته باشیم، مهم‌ترین صورت در بخش تحقق عدالت اجتماعی را طی کرده و گذرانده‌ایم. وقتی که صدها در جامعه قطع یا خاموش باشد، ما نمونه‌باز بی‌عدالتی اجتماعی را حس خواهیم کرد. نبود عدالت اجتماعی، آزادی و سعادت را از بین خواهد برد. در معنای کلمه بهترین مثال در این باب این موضوع است که در نبود عدالت اجتماعی، صلح به جنگ تبدیل شود. زمانی که دادگاه ما ناکارآمد باشد و مردم حس کنند که نمی‌توانند مطالباتشان را طلب کنند، ناخودآگاه به این فکر می‌افتند که حقتشان را در خیابان و خودشان بیگیری کنند که این موضوع نتایج نامطلوبی نیز دارد زیرا عدم وجود عدالت اجتماعی در یک جامعه، ارتباط مستقیم با روابط مردم در جامعه دارد و از سلامت و دوستی و مهرپایی بین شهروندان دوری می‌کند.

عکس نوشت

موقیت خطر ناک

تصویر کشیدن این صحنه روی زمین دراز کشیده تا هدف گلوله قرار نگیرد بعد اعلام کرد که وقتی در حال عکاسی بود نمی‌دانست که چطور می‌خواهد از پس این موقعیت خطرناک بر بیاید.



وزنوزلا ۱۹۶۲
سربازی که به طرز مرمی‌گری توسط یک تک‌تیرانداز زخمی شده و خود را از قیای یک کشیش اویزان کرده است. عکاس که برای به

آمار ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌های اجتماعی و تشکیل پرونده‌های بی‌شمار قضایی در قوه قضائیه و حجم محکومان به مجازات‌های مختلف افزایش پیدامی‌کند.

● در جامعه‌ای مثل ایران چه نوع ضمانت‌هایی باید برای اجرای قوانین مبتنی بر عدالت اجتماعی وجود داشته باشد؟

در درجه اول باید سطح هوشیاری، سواد و معلومات شهروندان نسبت به مسائل روز جامعه افزایش یابد. در درجه دوم تعصب، حس نودوستی، نقاد و مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های کشور و بازخواست از مسئولان در سطح جامعه گسترش یابد. از سوی دیگر ظرفیت و آستانه تحمل و شکیبایی مسئولان در پذیرش انتقاد از طریق رسانه‌های گروهی به نمایندگی از جامعه افزایش یابد و از برخورد‌های ضربتی و قضایی با رسانه‌ها جلوگیری شود. این دو ضرورت نیازمند تأسیس و فعالیت نهادهای و گروه‌های صنفی و مردمی و غیردولتی مانند کانون‌های وکلا، کانون پزشکان، مهندسان و معلمان در صنوف و پیشه‌های مختلف جامعه است که این نهاد‌های مردمی و غیردولتی با راه‌اندازی رسانه‌های نظارتی بر عملکرد مسئولان و انطباق آن با قوانین در جهت اجرای عدالت اجتماعی نظارت داشته باشند.